ما یستقبح ذکره در شعر رودکی یا مهستی؟

امین، سید حسن

درست دو سال پیش،دوستی نسخه‏یی از دیوان رودکی‏ چاپ«انستیتوی ملل آسیا-آکادمی علوم اتحاد شوروی»را برای من‏ هدیه آورد،با این تأکید که اشعار این نسخه«پونوگرافی صریح‏ سانسور نشده»است.

دیوان رودکی را به شوق خواندن گرفتم تا رسیدم به بیتی‏ چنین صریح در صحیفه‏ی 184 آن کتاب،از زبان زنی خطاب هب‏ مردی:

[...]آلوده بیاری و نهی بر[...]من‏ بوسه‏یی چند به نیرو بزنی بر نُسِ من

ذکر ناکردن دو کلمه‏ی ما یستقبح ذکره که نقطه‏چین شده‏ است،به قول سعدی«اولی‏تر»؛امّا واژه‏ی«نُس»به ضمّ اول در مصرع ثانی چنان‏که در لغت‏نامه آمده است،به معنی پوز باشد که‏ گرداگرد لب و دهان است از جانب درون و بیرون.(دهخدا،لغت‏نامه، چاپ دانشگاه،ص 22448).امّا در ولایت کهن بیهق(سبزوار)،تا همین امروز«نس»به معنی«بینی»(یا آب بینی)ست.(ابو الفضل‏ بروغنی،بررسی زبان‏شناسانه‏ی گویش سبزوار،ص 244)

علامه‏ی دهخدا همین بیت را ذیل مدخل«نُس»شاهد آورده‏ است،با این تفاوت که:

1-به جای قید«به نیرو»،واژه‏ی«به تزویر»را ضبط کرده است. به نظر ما هم از حیث سبک ادبی به‏طور عام و هم از منظر فضای‏ شعر و ترکیب مفردات کلام به‏طور خاص،«به نیرو»اصیل و «به تزویر»نامناسب است.

2-به جای حرف«بر»،حرف«در»را آورده که بی‏ادبانه‏تر است.

3-به جای آن‏که شعر را به‏طور مسلم از رودکی بداند،انتساب‏ آن را به«مهستی یا رودکی»ضبط کرده است.مقدّم داشتن‏ مهستی بر رودکی به دل می‏نشیند.یعنی چون شعر از زبان یک زن‏ است،به احتمال قوی باید متعلق به مهستی باشد و نه رودکی.

4-یکی از زنان شاعر متأخّر،شاید تحت تأثیر همین بیت، تقلید بارد از این بیت کرده و گفته است:

تا چند نُسِ خویش نهی بر بُسِ من‏ ...ی چو دوال بر نهی بر...من!

ترسیدم که ذکر شواهد ادبی بیش‏تر در این زمینه،بی‏ادبی‏ به حساب آید.به همین مختصر بسنده کردم؛امّا باید بگویم که‏ استعمال این‏گونه واژگان طبیعی در ادبیات کهن به‏طور عام و در دوبیتی‏های فولکلوریک به گویش‏های محلی به‏طور خاص،بسیار دیده می‏شود.